

عدم صلاحیت مرجع کیفی در ارزیابی ماهوی گواهینامه‌های ثبت در دعوای نقض حقوق مالکیت صنعتی

امیر ناظری*

چکیده

گواهینامه ثبت اختراع، طرح صنعتی و علامت تجاری دلالت بر حق انحصاری دارنده گواهینامه نسبت به بهره‌برداری از موضوع ثبت شده دارد. در واقع، موضوع ثبت شده در قلمرو انحصار دارنده گواهینامه قرار دارد و اگر دیگران به بهره‌برداری از آن موضوع بپردازند با ضمانت اجراهای حقوق مالکیت صنعتی مواجه خواهند شد. قاعدتاً تا زمانی که گواهینامه به اعتبار خود باقی است، مرجع قضایی، اعم از حقوقی و کیفی باید به آن ترتیب اثر دهد و ناقض را محکوم نماید. با این حال، در رأی مورد بررسی در این مقاله، پس از طرح شکایت کیفی، دادسرا با ارجاع امر به کارشناس، تلاش می‌کند درستی یا نادرستی ثبت را احراز نماید و پس از عدم احراز صحت ثبت، مبادرت به صدور قرار منع تعقیب می‌نماید. در این نوشتار سعی بر آن است، این رأی را به بوته نقد کشیم و با توجه به جایگاه تشریفات و عدم قطعیت ذاتی در نظام مالکیت صنعتی با نگاهی نقادانه به تحلیل استدلال‌های انجام شده در آن رأی بپردازیم.

واژگان کلیدی: تشریفات، عدم قطعیت، ارزیابی، طرح صنعتی

مقدمه

قانونگذار با مشخص نمودن موضوعات قابل ثبت، حقوق انحصاری و ضمانت اجراهای نقض حق به حمایت از پدیدآورندگان پدیده‌های صنعتی (اختراع، طرح صنعتی و علامت تجاری) پرداخته است. به موجب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، نقض حقوق مالکیت صنعتی جرم‌انگاری شده و در صورت تحقق عناصر سه‌گانه قانونی، مادی و معنوی، ضمانت اجرای کیفری در انتظار شخص خواهد بود. ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری را می‌توان عنصر قانونی جرم مورد نظر دانست. این ماده مقرر داشته است: "هر شخصی با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد ۱۵، ۲۸ و ۴۰ نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده ۴۷ عمل غیرقانونی تلقی شود مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ۱۰ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه محکوم می‌شود ...". عنصر مادی جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی، یعنی آن رفتاری که برای آن مجازات تعیین شده در مواد ۱۵ (در خصوص اختراع)، ۲۸ (در خصوص طرح صنعتی) و ۴۰ (در خصوص علامت) مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین، در صورت تحقق رفتار مجرمانه که در مواد اخیرالذکر مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته، فاعل مجرم شناخته شده و محکوم به مجازات مقرر در ماده ۶۱ می‌گردد.

حال مسئله این است که پس از طرح شکایت کیفری، مرجع کیفری (اعم از دادسرا و دادگاه) می‌تواند در صورت احراز نادرست بودن ثبت، ولو در شرایطی که هنوز گواهینامه ثبت حقوق مالکیت صنعتی به اعتبار خود باقی است، قرار منع تعقیب صادر کند؟ این مسئله مرتبط با شناسایی موضوع حق است؛ به تعبیر دیگر، باید ببینیم آنچه حق انحصاری مالکیت صنعتی بدان تعلق گرفته و به تعبیر دیگر، متعلق حق انحصاری مالکیت صنعتی چیست؟ آیا این حقوق بر پدیده صنعتی ثبت شده صرف نظر از درستی یا نادرستی ثبت تعلق گرفته و دادگاه باید برای جاری دانستن حمایت‌های مالکیت فکری به نفس ثبت و مشاهده گواهینامه اکتفا نماید یا این حقوق نسبت به پدیده‌های صنعتی که صرف نظر از ثبت، از نظر قاضی واجد شرایط ماهوی حمایت هستند تعلق می‌گیرد؟ به تعبیر دیگر، سوال اساسی این

است که موضوع جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی چیست؟ آیا موضوع این جرم پدیده صنعتی ثبت شده صرف نظر از صحت یا عدم صحت ثبت است و در نتیجه، نفس انجام رفتارهای پیش بینی شده در مواد ۱۵، ۲۸ و ۴۰ نسبت به موضوعات ثبت شده مصداق جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی است؟ یا موضوع جرم، آن پدیده صنعتی است که دارای شرایط ماهوی قانونی بوده و در نتیجه، مرجع قضایی باید علاوه بر احراز تحقق رفتارهای پیش‌بینی شده در مواد ۱۵، ۲۸ و ۴۰ صحت ثبت را نیز احراز نماید؟ همان‌طور که در متن رأی مشاهده شد، پس از طرح شکایت کیفری دائر بر نقض حقوق طرح صنعتی ثبت شده، دادیار دادسرای مسئول رسیدگی به جرائم مالکیت صنعتی جهت اطمینان از صحت ثبت، مسئله را به کارشناس ارجاع داد. به نظر می‌آید در نظر قاضی پرونده، موضوع جرم نقض حقوق پدیده صنعتی، آن پدیده صنعتی است که گذشته از ثبت، صحت ثبت آن‌ها نیز محرز باشد.

با عنایت به این مراتب، این سوال مطرح می‌شود که پس از ثبت طرح صنعتی، حقوق انحصاری نسبت به طرح صنعتی ثبت شده برقرار شده است یا برای برقرار دانستن این حقوق، مرجع قضایی باید به طور مستقل و مجزا از اداره ثبت اقدام به ارزیابی صحت ثبت و احراز شرایط ثبت آن طرح نماید؟ در رأی مورد بحث، دادیار محترم با ارجاع امر به کارشناس، فرض اخیر را برگزیده و معتقد است گذشته از ثبت و صدور گواهینامه، باید احراز شود طرح صنعتی به درستی به ثبت رسیده است و واجد شرایط ماهوی ثبت بوده تا بتوان اتهامی را علیه او ثابت دانست. همچنین در بخشی از رأی این‌گونه اظهار عقیده می‌کند: "جهت برقراری حمایت حقوقی و کیفری ... باید هر دو شرط (اصالت و تازگی) برای قاضی رسیدگی‌کننده قابل احراز باشد." نتیجه پایبندی به چنین عقیده‌ای آن خواهد بود که اگر دعوی حقوقی نقض حقوق مالکیت صنعتی طرح شود قاضی اختیار دارد ولو بدون این‌که دعوی تقابل ابطال گواهینامه طرح شده باشد با احراز نادرست بودن ثبت، مبادرت به صدور حکم بر بی‌حقی خواهان نماید.

در نوشتار حاضر، سعی بر آن است استدلال‌های ارائه شده در این رأی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. در این راستا، ابتدا از منظر جایگاه تشریفات در حقوق

مالکیت صنعتی به بررسی موضوع می‌پردازیم. در ادامه، با لحاظ دلایل صدور گواهینامه فاقد شرایط مسئله را مورد تحلیل قرار دهیم. در پایان به مسئله امکان صدور قرار اناطه (جهت طرح دعوی ابطال گواهینامه در دادگاه حقوقی) می‌پردازیم.

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۸۰۹۹۷۲۲۱۲۰۳۰۰۸۵۴

تاریخ صدور رأی: ۹۸/۶/۹

اتهام: نقض حقوق ناشی از طرح صنعتی

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۲ دادیاری دادرسی عمومی انقلاب تهران ناحیه ۲۶

قرار منع تعقیب

در خصوص شکایت آقای الف.ص فرزند ابراهیم با وکالت آقای م.ک فرزند رحمت الله علیه ۱. آقای س.ن فرزند محمدعلی با وکالت س.م فرزند میرمقصود ۲. آقای ع.م ۳. شرکت ک.ک.ت.ت دایر بر نقض حقوق دارنده طرح صنعتی ثبت شده نظر به این که معیارهای ثبت طرح صنعتی در حقوق ایران برای اولین بار در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ مطرح شده است و ماده ۲۱ این قانون چنین مقرر می‌دارد: "طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که جدید و یا اصیل باشد. طرح صنعتی زمانی جدید است که از طریق انتشار به طور محسوس و یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر قبل از تاریخ تقدیم اظهارنامه یا بر حسب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشا نشده باشد. مفاد قسمت اخیر بند "ه" و بند "و" ماده ۴ این قانون در خصوص طرح‌های صنعتی نیز قابل اعمال است. بر اساس ماده ۲۱ و مواد مورد اشاره در آن برای ثبت طرح صنعتی از نظر قانون ایران سه معیار لازم است که دو مورد اول ایجابی و معیار سوم سلبی است. این معیارها عبارت‌اند از ۱. جدید بودن ۲. اصیل بودن ۳. خلاف نظم عمومی نبودن. علی‌رغم این که قانونگذار بیان داشته است که طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که اصیل و یا جدید باشد و صرف‌نظر از اختلاف نظر در خصوص معیارهای ثبت، اداره ثبت طرح صنعتی مکلف به رسیدگی

تحقیقی و ماهوی نسبت به شرایط ثبت طرح صنعتی می‌باشد، با این وجود حسب استعلام به عمل آمده از آن اداره رسیدگی نسبت به احراز شروط ثبت طرح صنعتی به صورت شکلی است. طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که دو معیار اصیل بودن و جدید بودن را همراه هم داشته باشد. دلایل این امر هم این است که ماده ۲۵ موافقتنامه تریپس که در تدوین قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مدنظر قانونگذار ایرانی بوده است اعضا را مکلف به حمایت از طرح صنعتی می‌داند که به صورت مستقل پدید آمده‌اند (Independently Created) و جدید (New) یا اصیل (Original) باشند. به نظر می‌رسد قید اصالت در ماده ۲۱ قانون ۱۳۸۶ جنبه تأکیدی دارد. بنابراین شرط اصالت در ثبت یک طرح صنعتی امری مفروض است. زیرا نمی‌توان تصور کرد که طرحی که توسط دیگری پدید آمده است به شخص دیگری منتسب شود.

همچنین اگر یکی از شروط برای ثبت و حمایت را کافی بدانیم باید بگوییم که طرحی که جدید هست ولی اصیل نیست نیز باید قابل حمایت باشد و این رواج سرقت خلاقانه دیگران است. اگر این دیدگاه را بپذیریم که یکی از این دو شرط کافی است تالی فاسد آن این امر است که باید نسبت به نوآوری‌هایی که قبلاً وارد حوزه عمومی (Public Domain) شده است برای اشخاص انحصار قائل شد. به عنوان مثال، اگر کسی در سال ۱۳۸۷ طرحی را طراحی کرده باشد و در طول این ده سال از آن بهره‌برداری نیز کرده باشد و طرح مزبور وارد چرخه تجاری شده باشد، در سال ۱۳۹۷ بخواهد آن را ثبت نماید اداره مالکیت صنعتی باید آن طرح را ثبت کند و مورد حمایت قرار دهد. به نظر می‌رسد این عقیده درست نباشد. چرا که وقتی قانونگذار دوره موقتی برای حمایت از طرح‌ها مقرر کرده است هدفش آن است که بعد از این مدت این طرح وارد حوزه عمومی شود و همگان از آن بهره‌مند شوند. طرحی که ۱۰ سال از آن بهره‌برداری شده است دیگر وارد حوزه عمومی شده و قابل حمایت نیست. از سوی دیگر حقوق مالکیت فکری و برقراری انحصار استثنا می‌باشد و در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به اصل عدم انحصار صراحتاً اشاره شده است. بنابراین استثنا باید به صورت محدود تفسیر شود و هر دو شرط را جهت برقراری انحصار لازم دانست. نظر به این که وقتی در ماده ۸۴

آیین‌نامه قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (هر چند این ماده درست تنظیم نشده) گفته می‌شود طرح اصیل نباید کپی تقلید طرح‌های موجود باشد و باید به صورت مستقل توسط طراح پدید آمده باشد، سطح بالاتری از خلاقیت در مالکیت ادبی و هنری مورد نظر است و این امر به نفع طراحان اولیه‌ای است که با صرف وقت و هزینه بسیار طرحی را خلق می‌کنند و پس از آن دیگران اجازه نمی‌یابند تا با اندک تغییری آن طرح را به نفع خود به ثبت برسانند. بنابراین مراتب فوق طرح صنعتی جهت ثبت باید هر دو شرط اصالت و جدید بودن را همراه هم داشته باشد. از طرف دیگر جهت برقراری حمایت حقوقی و کیفری از این طرح نیز به دلایل ذیل باید هر دو شرط برای قاضی رسیدگی‌کننده احراز گردد: ۱- حسب استعلام صورت گرفته از اداره ثبت طرح‌های صنعتی رسیدگی آن اداره شکلی و اعلامی است و صرفاً شرایط شکلی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به اعلام متقاضی و عدم اعتراض کفایت می‌شود. بنابراین سندی که در این خصوص صادر می‌شود اعتبار اسناد رسمی را نداشته و مشمول ماده ۷۳ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ نمی‌شود. ۲- با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی صدور قرار اناطه فقط در خصوص اموال غیرمنقول مصداق پیدا می‌کند (در حالی که دارایی‌های فکری اموال ویژه‌ای هستند و تابع نظام خاص خود و نمی‌توان احکام مربوط به اموال سنتی را بر آن‌ها بار کرد). ۳- بسیاری از طرح‌های صنعتی ثبت شده فاقد اصالت و وصف جدید بودن می‌باشد و علاوه بر اخلال در رقابت آزاد منجر به انحصارهای ناموجه و متعاقباً تعطیلی بنگاه‌های تولیدی و تجاری شده است. در حالی که هدف مالکیت فکری رونق کسب و کار در فضای رقابتی سالم می‌باشد. این کپی‌برداری از آن‌جا ناشی می‌شود که تولیدکنندگان حاضر به پرداخت هزینه‌های طراحی در ایران نیستند، در حالی که طراحان بسیار توانمندی در ایران وجود دارد. ۴- تشریفات ثبت به درستی طی شده و مطابق با قانون اما با واقعیت انطباق ندارد و قابل حمایت کیفری نیست مثل واقعه تولد از ناحیه اعلام‌کننده و دریافت شناسنامه. ۵- در دعوای کیفری به دنبال احراز و تشخیص مجرم و وضع مجازات بر وی هستیم. قاضی برای این که جرم نقض حقوق دارنده طرح صنعتی را احراز کند باید سه رکن قانونی، مادی و معنوی جرم را احراز

کند. ورود به شروط اصالت و جدید بودن می‌تواند در احراز این ارکان (ارکان مادی و معنوی جرم) خدشه وارد کند. ۶- از لحاظ تفسیر دوزن ساختاری بند چهارم ماده ۱۵ و ماده ۲۳ استثنائات این حق است و در صورتی که این موضوع اثبات شود جرم احراز نمی‌گردد و برای اثبات این موضوع نیازمند ورود در اصالت و جدید بودن هستیم. ۷- به نظر می‌رسد با توجه به این‌که دارایی‌های فکری از جنس دانش و اطلاعات هستند و محسوس نیستند (Intangible Property) و نمی‌توان آن‌ها را با اموال و دارایی‌های فیزیکی و عینی (Tangible Property) مقایسه نمود و احکام و قواعد حاکم بر اموال فیزیکی را نسبت به آن‌ها سرایت داد، سندی که در خصوص آن‌ها صادر می‌شود را نیز نباید با اسناد مالکیت رسمی در خصوص اعیان مقایسه نمود و همان اعتبار سند رسمی مربوط به اموال عینی را بر آن‌ها قائل شد چرا که یکی از ویژگی‌های مالکیت آن است که دائمی باشد ولی مالکیت اموال و دارایی‌های فکری موقتی است. بنابه مراتب فوق نظر به این‌که حسب نظریه کارشناس رسمی دادگستری طرح صنعتی ثبت شده موضوع پرونده دارای سابقه افشا می‌باشد و جدید نیست و از سویی همانگونه که در بالا ذکر شد حسب اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل بر عدم انحصار می‌باشد و مالکیت فکری استثنا بر این اصل می‌باشد و حمایت از طرح صنعتی افشا شده استثنا بر استثنا تلقی گردیده و منجر به ایجاد انحصار ناموجه و محدود شدن رقابت و تعطیلی بدون دلیل واحدهای تولیدی و تجاری می‌شود که این امر توجیه حقوقی و اقتصادی ندارد، علی‌هذا نظر به عدم وقوع بزه مستنداً به اصل کلی برائت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۴ و ۲۶۵ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی قرار منع تعقیب نامبرده صادر و اعلام می‌گردد. قرار صادره وفق بند (الف) ماده ۲۷۰ قانون اخیرالذکر ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ به تقاضای شاکی خصوصی قابل اعتراض نزد محاکم کیفری دو تهران می‌باشد.

۱. نقد رأی از منظر جایگاه تشریفات در نظام حقوق مالکیت صنعتی

بر خلاف نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری، در حوزه مالکیت صنعتی آغاز

حمایت منوط به طی تشریفات ثبت و صدور گواهینامه ثبت است. جایگاه تشریفات و آثار آن را باید در مبانی شکل‌گیری تشریفات در نظام‌های ثبتی جستجو کرد. در ادامه ابتدا به شناسایی موضوع حق با توجه به جایگاه تشریفات می‌پردازیم و سپس به نقد برخی استدلال‌های ارائه شده در رأی خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است مطالب این مقاله به طور عمومی و در خصوص تمام مصادیق حقوق مالکیت صنعتی ارائه می‌شود و منحصر به طرح صنعتی که موضوع رأی حاضر است نمی‌باشد.

۱.۱. موضوع حق انحصاری با لحاظ جایگاه تشریفات در حمایت از

مالکیت صنعتی

از گذشته تا به امروز روابط حقوقی اشخاص و تنظیم مبادلات و معاملات آن‌ها مستلزم وجود اطلاعاتی در خصوص دارنده حق، موضوع حق و قلمرو حق بوده است. در حقیقت، جهت تنظیم روابط اشخاص، جامعه باید بداند هر شخصی چه حقوقی دارد و آن حق چه قلمرویی دارد تا حقوق اشخاص نقض نشود. همچنین طرفین روابط حقوقی همواره نیاز داشته‌اند بدانند قلمرو حق طرف مقابل چگونه است و اساساً آیا دارای حقی که ادعا می‌کند می‌باشد یا خیر. به تدریج، ابهامات موجود در مورد حقوق اشخاص آشکار شد و همچنین، مشخص گردید که طرفین روابط حقوقی در ارائه اطلاعات خست به خرج می‌دهند. به علاوه اگر اشخاص خودشان رأساً بخواهند اطلاعات را به دست آورند، مستلزم صرف هزینه بسیار زیاد و چشم‌گیری است. از این رو این ایده مطرح شد که اطلاعات را در اختیار اشخاص ثالث مورد اطمینان که همان نهادهای ثبتی هستند قرار دهند تا در مواقع مقتضی این اطلاعات توسط آن‌ها در اختیار جامعه قرار گیرد. بنابراین ادارات ثبت با هدف اطلاع‌رسانی پدید آمده‌اند تا با تعیین حدود و ثغور حقوق اشخاص، هزینه معاملاتی آن‌ها کاهش یابد و نظم بهتری را در جامعه برقرار شود. بنابراین شناسایی حق اشخاص در بعضی از حوزه‌ها منوط به ثبت شدن آن‌ها است؛ همان‌طور که در حوزه ثبت املاک، به موجب ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ دولت تنها کسی را مالک می‌شناسد که ملک در دفتر املاک به نام او به ثبت رسیده است (طباطبایی حصاری، ۱۳۹۸: ۵).

به واقع، منطق حمایت توأم با تشریفات از یک حق اقتضا می‌کند که رعایت آن تشریفات موجب پیدایش آن حق باشد و زمانی که آن تشریفات طی می‌شود و سند یا گواهی مذکور صادر می‌شود، هم دارنده حق، هم موضوع حق و هم حدود و ثغور آن حق به طور دقیق مشخص شده باشد. به واقع، اگر چنین نباشد حمایت توأم با تشریفات از اصل و مبنای خود فاصله گرفته و ممکن است نتایج ناگواری به همراه داشته باشد. می‌توان گفت کارکرد اطلاع‌رسانی ثبت اقتضا می‌کند ذات آن حق و تمام عوارض آن مبتنی بر پایه تشریفات باشد؛ چرا که اساساً ثبت به وجود آمده که بگوید چه کسی دارای حق است، بر چه چیز حق دارد و قلمروی حق وی چگونه است. در نتیجه، باید بر این عقیده باشیم که تا زمانی که گواهینامه ثبت حقوق مالکیت صنعتی که توسط مرجع صالح صادر شده باطل نشده است، همچنان در حال ایفای کارکرد اطلاع‌رسانی خود در خصوص دارنده حق، موضوع حق و قلمرو حق می‌باشد.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد پس از انجام ثبت، دارنده گواهینامه دارای حق انحصاری می‌شود و تا زمانی که گواهینامه به اعتبار خود باقی است حقوق انحصاری نیز به قوه خود باقی خواهد بود. در واقع، در حوزه حقوق مالکیت صنعتی، موضوع حق، آن پدیده صنعتی است که به ثبت رسیده؛ صرف‌نظر از این که این ثبت به درستی انجام شده یا نشده باشد. موضوعی که زوال آن مستلزم ابطال است؛ امری که وفق قانون به گذشته سرایت پیدا می‌کند بعدها ممکن است فقدان آن کشف شود. در نتیجه، در صورت احراز انجام اعمال ناقضانه نسبت به پدیده صنعتی ثبت شده، مرجع قضایی مکلف است ضمانت اجراهای حقوق مالکیت صنعتی را جاری بداند. بنابراین در صورت طرح شکایت کیفری، دادسرا و دادگاه کیفری هیچ صلاحیتی در ورود به احراز صحت ثبت پدیده صنعتی ندارد و صرفاً باید به دو موضوع توجه کند: ۱- آیا گواهینامه ثبت صادر شده

۱. البته به دلیل عدم قطعیت ذاتی اعتبار گواهی‌نامه‌های حقوق مالکیت صنعتی (که در قسمت بعد به آن خواهیم پرداخت) کارکرد اطلاع‌رسانی گواهی‌نامه ثبت مالکیت صنعتی تا حدود زیادی مخدوش است؛ اما این مسئله مانع از آن نیست که آثار و نتایج اطلاع‌رسانی ثبت که همانا اطلاع‌رسانی در خصوص دارنده حق، موضوع حق و قلمرو حق تا زمان بقای اعتبار گواهی‌نامه است را جاری ندانیم؛ چرا که ثبت برای تحقق همین آثار کارکرد اطلاع‌رسانی پیش‌بینی شده است.

همچنان به اعتبار خود باقی است یا خیر؟ ۲- آیا متهم مرتکب رفتارهای مذکور در مواد ۱۵، ۲۸ و ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری شده است یا خیر؟ با این حال، اگر بعدها گواهینامه باطل شود با عنایت به اثر قهقرایی پیش‌بینی شده در مواد ۱۸، ۲۹ و ۴۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری کاشف به عمل می‌آید اساساً از ابتدا حقی وجود نداشته، گویی اساساً هیچ وقت گواهینامه‌ای صادر نشده بود و به همین دلیل می‌توان باب اعاده دادرسی را مفتوح دانست.

۲.۱. نقد برخی استدلال‌های ارائه شده در رأی

همان‌طور که بیان شد قاضی محترم صادرکننده این رأی معتقد است جهت برقراری حمایت حقوقی و کیفری، احراز صحت ثبت برای مرجع قضایی ضرورت دارد. در متن رأی تلاش زیادی برای تبیین پایه‌های این رویکرد انجام شده است. به طور مثال این‌گونه آمده که: "حسب استعلام صورت گرفته از اداره ثبت طرح‌های صنعتی رسیدگی آن اداره شکلی و اعلامی است و صرفاً شرایط شکلی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به اعلام متقاضی و عدم اعتراض کفایت می‌شود. بنابراین سندی که در این خصوص صادر می‌شود اعتبار سند رسمی را نداشته و مشمول ماده ۷۳ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ نمی‌شود."

در خصوص این استدلال باید گفت اولاً، همان‌طور که اشاره شد منطق و مبنای ثبت ایجاب می‌کند گواهینامه کارکرد اطلاع‌رسانی خود را در خصوص وجود حق، دارنده حق و قلمرو حق ایفا نماید، در غیر این صورت، حمایت تشریفاتی کاملاً بی‌مبنا و بی‌منطق می‌شود. بنابراین موضوع حق در حقوق مالکیت صنعتی و به تبع آن، موضوع جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی، پدیده صنعتی ثبت شده است، صرف‌نظر از این که ثبت به درستی انجام شده یا نشده است و قاضی باید به آن ترتیب اثر دهد. در این خصوص مواد ۱۵ و ۲۸ و ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری صراحت دارند. عبارت صدر ماده ۱۵ بدین ترتیب است: "حقوق ناشی از گواهینامه اختراع به ترتیب زیر است: ... " ماده ۲۸ مقرر داشته: "حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی، مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر

است ... " همچنین، به موجب ماده ۴۰: " حقوق ناشی از ثبت علامت، مدت اعتبار و تمديد آن به شرح زیر است ... " این عبارات نشان می‌دهند موضوع حق مالکیت صنعتی و به تبع آن، موضوع جرم نقض حق مالکیت صنعتی، پدیده صنعتی ثبت شده صرف‌نظر از درستی یا نادرستی ثبت است. به واقع، به صرف ثبت، حقوق انحصاری به شخص تعلق گرفته و کارکرد اطلاع‌رسانی ثبت اقتضا می‌کند، ثبت پدیده صنعتی، اشخاص را مستغنی از جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی شرایط ثبت برای تنظیم روابطشان کند و نهایتاً اگر شخصی اعتراضی به ثبت داشته باشد با طرح دعوی مستقل، ابطال گواهینامه را از مرجع صلاحیت‌دار طلب کند.

ثانیاً، این که مرجع ثبت رویه‌ای برخلاف مقررات آمره پیش گرفته به هیچ عنوان نمی‌تواند مجوز رویه‌ای خلاف قانون توسط مراجع قضایی باشد، که اگر چنین شود بی قانونی رواج یافته و نظم جامعه مختل خواهد شد. گذشته از این موارد معلوم نیست اشاره به این که سندی که صادر می‌شود مشمول ماده ۷۳ قانون ثبت نیست به چه دلیل انجام شده؛ چرا که در نظام حقوقی ایران دو نوع سند رسمی پیش بینی شده است: ۱- سند رسمی قانون ثبت که لزوماً در دفاتر اسناد رسمی و دفتر املاک تنظیم می‌شود؛ ۲- سند رسمی قانون مدنی که طبق ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی توسط مأمورین دولتی در حدود صلاحیت و با رعایت قوانین و مقررات صادر می‌شوند. با عنایت به این که گواهینامه ثبت مالکیت صنعتی نه در دفتر املاک و نه در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شده است به هیچ عنوان سند رسمی مشمول قانون ثبت و مقرر ماده ۷۳ این قانون نخواهد بود، بلکه سند رسمی قانون مدنی است (طباطبایی حصاری، ۱۳۹۸: ۸) و اشاره به این مسئله ارتباطی با رویه خلاف قانون اداره ثبت مالکیت صنعتی ندارد.

همچنین اشاره به بحث قرار اناطه نشان می‌دهد حتی خود قاضی نیز تردیدهایی در خصوص عقیده و رویکرد خود دارد. توضیح آن که در رأی چنین آمده: " با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی فقط در خصوص اموال غیرمنقول مصداق پیدا می‌کند (در حالی که دارایی‌های فکری اموال ویژه‌ای هستند و تابع نظام خاص خود و نمی‌توان احکام مربوط به اموال سنتی را بر آن‌ها بار کرد). " این در حالی است که در قسمت‌های

قبلی رأی بیان شد احراز وقوع جرم منوط به احراز وجود شرایط ماهوی است و از این ایده این نتیجه حاصل شد که موضوع جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی پدیده صنعتی ثبت شده واجد شرایط است و برای احراز وقوع جرم باید وجود شرایط ماهوی احراز شود؛ با این حال این قسمت از رأی نشان می‌دهد برای ایشان تردید صدور قرار اناطه به وجود آمده است. در حقیقت اگر ایشان بر عقیده اول خود مبنی بر نیاز به احراز شرایط ماهوی ثبت برای احراز وقوع جرم راسخ هستند دیگر چه نیازی به این است که فکر صدور قرار اناطه جهت ابطال گواهینامه به ذهن خطور کند. به واقع، اگر ایشان اعتقاد دارند موضوع حق مالکیت صنعتی و به تبع آن، موضوع جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی، پدیده صنعتی واجد شرایط ماهوی است و احراز وقوع جرم منوط به احراز وجود شرایط ماهوی ثبت است، اساساً نیازی به ابطال گواهینامه نیست که ایده صدور قرار اناطه مطرح شود و در نهایت به دلیل آن که از جهت قواعد آیین دادرسی کیفری شرایط صدور قرار اناطه وجود ندارد، از صدور این قرار اجتناب شود.^۱

گذشته از این موارد در بخشی از رأی آمده: "از لحاظ تفسیر درون ساختاری بند چهارم ماده ۱۵ و ماده ۲۳ از استثنائات این حق است و در صورتی که این موضوع اثبات شود جرم احراز نمی‌گردد و برای اثبات این موضوع نیازمند ورود در اصلت و جدید بودن هستیم." در این خصوص باید گفت هیچ تردیدی وجود ندارد که در صورت تحقق استثنائات حقوق مالکیت صنعتی رفتار مجرمانه‌ای محقق نشده؛ زیرا استثنائات حقوق مالکیت صنعتی مصداق بارز یکی از عوامل موجهه جرم یعنی اجازه قانون است. مستند قانونی این بحث، صدر ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی است. به موجب این ماده: "علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود در موارد زیر قابل مجازات نیست: الف) در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد ...". ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری پس از اشاره به حقوق انحصاری دارنده گواهینامه مواردی مثل استیفاء حق، بهره‌برداری با اهداف آزمایشی، استفاده

۱. البته در قسمت سوم این نوشتار به طور دقیق به بررسی قابلیت صدور قرار اناطه می‌پردازیم.

در وسایل نقلیه در حال گذر از کشور، سبق استفاده را به عنوان استثناء این حقوق مورد اشاره قرار داده است. در واقع، قانونگذار علی‌رغم صدور گواهینامه و برقراری حقوق انحصاری برای دارنده گواهینامه، انجام این اعمال توسط اشخاص ثالث را در صورت تحقق شرایط مقرر در ماده ۱۵ مباح دانسته است. بنابراین اگر رفتاری در قلمرو استثنائات مصرح در ماده ۱۵ (که در ماده ۲۳ نیز مورد ارجاع قرار گرفته است) انجام شود باید گفت به دلیل مباح بودن آن عمل، عنصر قانونی محقق نبوده و اساساً جرمی انجام نشده است. در حقیقت در صورتی که رفتاری در قلمرو استثنائات باشد هیچ تردیدی نیست که مرجع کیفری باید قرار منع تعقیب صادر کند اما این مباحث به هیچ عنوان مجوزی برای ارزیابی صحت در شرایطی که شکایت نقض حق طرح شده نیست و ارتباط بحث استثنائات با ورود مرجع کیفری به ارزیابی صحت ثبت بر ما مکتوم است.

نتیجه آن که با توجه به جایگاه تشریفات در حمایت از مالکیت صنعتی باید گفت موضوع حق و به تبع آن موضوع جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی، پدیده صنعتی ثبت شده و حقوق ناشی از ثبت، صرف‌نظر از صحت یا عدم صحت ثبت است. مرجع کیفری در صورت احراز عناصر قانونی، مادی و معنوی باید صرف‌نظر از احراز یا عدم احراز شرایط ثبت به رسیدگی خود ادامه دهد و مبادرت به صدور قرار جلب به دادرسی و متعاقباً حکم محکومیت متهم نماید و در نهایت، اگر بعدها گواهینامه باطل شود، با توجه به اثر قهقرای مصرح در مواد ۱۸، ۲۹ و ۴۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری می‌توان باب اعاده دادرسی را مستند به بند ج ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مفتوح دانست؛ بدین توضیح که طبق بند مذکور، یافتن ادله جدید از موارد اعاده دادرسی بوده و با ابطال گواهینامه و جاری شدن اثر قهقرای کاشف به عمل می‌آید که از ابتدا حقی وجود نداشته و جرمی به وقوع نپیوسته است (ناظری، ۱۳۹۹: ۶۳). البته گزینه دیگر، صدور قرار اناطه است که در قسمت سوم این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. نقد رأی با لحاظ دلایل صدور نادرست گواهینامه

با توجه به فضای حاکم بر ثبت مالکیت صنعتی، دو دلیل عمده برای صدور

نادرست گواهینامه وجود دارد: ۱- دسترسی محدود به دانش پیشین و فقدان زیرساخت‌های لازم؛ ۲- شخصی بودن برخی معیارهای ارزیابی شرایط ثبت پدیده صنعتی (اعم از اختراع، طرح صنعتی و علامت تجاری). جهت احراز شرایط ثبت اختراع، ارزیابان اداره ثبت اختراع ابتدا باید دانش پیشین^۱ را شناسایی کنند و پس از آن، اختراع موردنظر و ادعاهای آن را با قلمرو دانش پیشین تطبیق دهند تا وجود یا عدم وجود تازگی و گام ابتکاری احراز شود (جعفرزاده و محمودی، ۱۳۸۹: ۹۱). به موجب بند ۵ ماده ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری: "فن یا صنعت قبلی عبارت است از هر چیزی که در هر نقطه از جهان از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی یا هر طریق دیگر، قبل از تقاضا یا در موارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ثبت اختراع افشا شده باشد ...". به همین ترتیب در مورد طرح صنعتی ماده ۲۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مقرر داشته: "طرح صنعتی زمانی قابل ثبت است که جدید و یا اصیل باشد. طرح صنعتی زمانی جدید است که از طریق انتشار به طور محسوس و یا از طریق استفاده به هر نحو دیگر قبل از تاریخ تسلیم اظهارنامه یا بر حسب مورد قبل از حق تقدم اظهارنامه برای ثبت در هیچ نقطه‌ای از جهان برای عموم افشا نشده باشد." نکته مهم آن است که برخلاف ظاهر ساده‌ای که ابتدائاً از این مفاهیم و شرایط به ذهن متبادر می‌شود، دسترسی کامل به آن اختراعات و طرح‌هایی که پیش از تقدیم اظهارنامه موجود بوده‌اند امری بسیار دشوار است.

همچنین مسئله دسترسی به دانش پیشین زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که در قوانین اختراعات برخی کشورها نهادی به نام دانش پیشین محرمانه^۲ پیش‌بینی شده است. منظور از دانش پیشین محرمانه مجموعه‌ای از اطلاعات علمی و فنی است که به طور محرمانه و سری برای شخص یا اشخاص محدودی افشا شده و قرار است در آینده نزدیک به طور گسترده و علنی در اختیار عموم قرار گیرد. به طور مثال، اطلاعات موجود در یک مقاله که برای ارزیابی و چاپ به یک مجله ارسال شده، پیش از چاپ در قلمرو دانش پیشین قرار دارد، ولو این که هنوز به طور علنی

1. Prior Art

2. Secret Prior Art

در اختیار عموم قرار نگرفته باشد (Douglas, 1996 : p150). بنابراین، اگر مثلاً کشور آلمان نهاد دانش پیشین محرمانه را در قانون اختراعات خود پذیرفته باشد و شخصی اظهارنامه ثبت اختراع خود را تقدیم اداره ثبت اختراع این کشور کرده باشد، در صورتی که اختراع مورد نظر ۱ یا ۲ سال پیشتر در مقاله‌ای افشا شده و این مقاله در زمان تقدیم اظهارنامه در نوبت چاپ قرار داشته باشد، پس از چاپ مقاله کاشف به عمل می‌آید که اختراع مورد نظر در قلمرو دانش پیشین قرار داشته و ورقه اختراع صادر شده قابل ابطال خواهد بود.

گذشته از دسترسی محدود و دشوار به اختراعات و طرح‌های موجود، تطبیق اختراعات و طرح‌هایی که درخواست ثبت آن‌ها انجام شده با قلمرو دانش پیشین با معیارهای شخصی صورت می‌شود؛ مسئله‌ای که می‌تواند به عدم قطعیت اعتبار گواهینامه‌ها دامن بزند. ارزیابان اداره ثبت از زاویه دید خودشان اختراعات را با دانش پیشین تطبیق می‌دهند. در نتیجه، امکان دارد یک اختراع واحد از دیدگاه یک ارزیاب قابل ثبت شناخته شود اما ارزیابی دیگر آن را قابل ثبت نداند. این مسئله در خصوص کاربرد صنعتی هم می‌تواند موثر باشد اما بیشترین تأثیر آن در ارزیابی و احراز شرط گام ابتکاری نمود پیدا می‌کند (Corea, 2015: 10). شرطی که به تعبیر یکی از نویسندگان دارای مفهومی بسیار مبهم و لغزنده^۱ است (Pittman, 2015: 347).

جهت احراز شرط گام ابتکاری، ارزیاب باید احراز کند که آن اختراع برای شخص با مهارت معمولی^۲ در رشته مربوطه بدیع بوده و امری پیش پا افتاده تلقی نمی‌شود. ارزیاب باید خود را به جای این شخص فرضی^۳ قرار دهد و از دریچه ذهن او به تحلیل موضوع بپردازد. حال ممکن است از دیدگاه یک ارزیاب، اختراع مورد نظر برای شخص با مهارت معمولی کاملاً آشکار باشد اما به نظر ارزیاب دیگر اساساً چنین نباشد (Corea, 2015 : 11).

1. Elusive and Slippery Concept

2. Person having Ordinary Skill in the Art (PHOSITA)

شخص با مهارت معمولی شخصی است که در رشته مربوطه یک متخصص عادی به حساب می‌آید و برای حل مشکلات معمولاً از روش‌های معمول استفاده می‌کند و تمایلی به انجام نوآوری ندارد.

3. Hypothetical person

به سه دلیل عمده، ارزیابی بر اساس معیار شخص با مهارت معمولی همواره با عدم قطعیت همراه است: ۱- ناتوانی در ارائه معیاری عینی جهت تعریف حداقل سطح فنی و علمی شخص با مهارت معمولی که بر مبنای مهارت او سطح نوآوری باید سنجیده شود. ۲- ناتوانی در ارائه معیاری عینی جهت شناسایی حداقل نوآوری لازم برای تحقق گام ابتکاری؛ ۳- غیر ممکن و غیر واقع بینانه بودن این که شخصی که خودش از سطحی از دانش و مهارت در یک حوزه برخوردار است بتواند از منظر یک شخص خیالی ارزیابی کاملی بدون دخالت دادن تفکرات و سوگیری‌های خودش انجام دهد (Corea, 2015 : 17). بنابراین می‌توان گفت حتی اگر یک گواهینامه اختراع صادر شود و در طول دوره حمایت، دعوای ابطال طرح شود، ممکن است بنا بر نظر برخی کارشناسان، اختراع مورد نظر واجد شرایط ثبت بوده و بنا بر نظر برخی دیگر از کارشناسان، واجد شرایط ثبت تشخیص داده نشود و در نتیجه حکم ابطال آن صادر شود. در نتیجه حتی در صورت ابطال گواهینامه اختراع نمی‌توان به طور قطع گفت که اختراع مربوطه واجد شرایط ثبت نبوده است.

به طور کلی، همین هزینه‌ها و مشکلات مربوط به ارزیابی شرایط ثبت اختراعات و شخصی بودن معیارهای ثبت باعث شده است که برخی کشورها به نظام اعلامی روی آورند و بدون ارزیابی شرایط ثبت، مبادرت به صدور گواهینامه اختراع نمایند؛ بدین امید که در طول دوره ۲۰ ساله حمایت، در صورت احراز فقدان شرایط ثبت، ورقه اختراع صادر شده توسط مرجع ثبت باطل خواهد شد. همچنین در برخی کشورها با توجه به دشواری ارزیابی گام ابتکاری، ثبت اختراع بدون بررسی و ارزیابی این شرط انجام می‌شود. در واقع، در این نظام‌ها ثبت اختراع صرفاً با ارزیابی شرط تازگی و کاربرد صنعتی انجام می‌شود و ارزیابی شرط گام ابتکاری به دادگاه‌ها واگذار شده است. همچنین دشواری‌ها و هزینه‌های مربوط به ثبت باعث شده است که برخی نویسندگان بر این عقیده باشند که بهتر است اداره ثبت اختراع هزینه زیادی برای ارزیابی اختراعات انجام ندهد؛ چه بسا انجام این هزینه‌ها خصوصاً با توجه به شخصی بودن معیارهای ارزیابی منتهی به هیچ سود و نفعی برای جامعه نشود. در این راستا و به جهت دشواری‌های مربوط به ارزیابی شرایط ثبت اختراع، برخی از حقوقدانان آمریکایی با وجود این که معتقدند باید به

صورت توأمان، سه ضرورت افزایش کیفیت گواهینامه‌ها، افزایش قطعیت اعتبار آن‌ها و کنترل هزینه‌ها را جهت بررسی شرایط اظهارنامه مدنظر قرارداد در نهایت، با ارائه تحلیل‌هایی به این نتیجه می‌رسند که اصلاً برای جامعه مقرون به صرفه نیست که هزینه‌ای بیشتر برای بررسی شرایط اظهارنامه انجام شود و در مقابل، باید شرایطی مساعد برای طرح ادعای ابطال در آینده فراهم آید (Jaffe and Lerner, 2015 : 33). در همین راستا نویسنده‌ای دیگر، بررسی نه چندان دقیق اظهارنامه را بی‌توجهی معقول^۱ خوانده و معتقد است این کوتاهی و سهل‌انگاری مرجع صدور گواهینامه با توجه به هزینه بالای بررسی شرایط ماهوی، کاملاً عاقلانه و به نفع جامعه است (Mark Lemley, 2001 : 28).

همین مسائل و معضلات در خصوص طرح صنعتی به ویژه در ارزیابی اصالت طرح صنعتی مصداق پیدا می‌کند. اداره ثبت در مقام ارزیابی قابلیت ثبت یک طرح صنعتی و محکمه در دعوی ابطال گواهینامه طرح صنعتی باید از دیدگاه یک کاربر آگاه به تفاوت‌های طرح با طرح‌هایی که قبلاً در اختیار عموم قرار گرفته است توجه کند (سیدین و کارجانی، ۱۳۹۹: ۱۳۵) در این وضعیت این که طرح مورد نظر واجد اصالت است یا خیر می‌تواند به شکل شخصی ارزیابی شود و نتیجه این ارزیابی توسط هر ارزیاب متفاوت از ارزیاب دیگر باشد؛ امری که می‌تواند اسباب تشتت و اختلاف و عدم قطعیت را فراهم آورد. این وضعیت اقتضا می‌کند که اگر مقام قضایی به مسئله ارزیابی صحت ثبت و اعتبار گواهینامه ورود کند بسته به کارشناس منتخب، نتیجه کارشناسی متفاوت باشد.

بنا بر دلایل فوق می‌توان گفت فضای حقوق مالکیت صنعتی با عدم قطعیت عجین شده و قطعاً قانونگذاران کشورهای گوناگون با اطلاع از چنین فضایی و با لحاظ مسائل اقتصادی ضمانت اجرای کیفری را برای نقض حقوق حقوق مالکیت صنعتی مقرر نموده‌اند. به بیان دیگر، عدم ثبات و عدم قطعیت اعتبار گواهینامه‌های مالکیت صنعتی از ویژگی‌های ذاتی حقوق مالکیت صنعتی است؛ با این حال، قانونگذار با توجه به جایگاه تشریفات، نسبت به همین گواهینامه‌های بی‌ثبات حقوق انحصاری برقرار کرده و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری در نظر گرفته

است، به نحوی که تا زمانی که گواهینامه به اعتبار خود باقی است آن حقوق و ضمانت اجراها نیز برقرار خواهند بود. بنابراین استناد به شیوع گواهینامه‌های فاقد شرایط نمی‌تواند مستمسکی برای ترتیب اثر ندادن به گواهینامه‌های صادره باشد. با این حال، قاضی محترم صادرکننده این رأی با این استدلال که اداره ثبت در ارزیابی طرح صنعتی اهمال می‌کند و این امر را به طور دقیق انجام نمی‌دهد و در نتیجه، ثبت طرح‌های فاقد شرایط امری شایع است به گواهینامه ترتیب اثر نمی‌دهد. اما مطالب فوق نشان می‌دهد عدم قطعیت اعتبار گواهینامه‌های ثبت امری شایع بوده و از خصائص ذاتی نظام مالکیت صنعتی است و قانونگذاران در همین فضای بی‌ثبات و توأم با عدم قطعیت اقدام به تجویز ضمانت اجرا نموده‌اند به نحوی که تا زمان بقای اعتبار گواهینامه این ضمانت اجراها نیز برقرار هستند.

همچنین به نظر می‌رسد این رأی بدون توجه به شخصی بودن ارزیابی برخی شرایط ثبت پدیده‌های صنعتی صادر شده است. شخصی بودن این معیارها (مثل گام ابتکاری و اصالت) باعث می‌شود به نظر یک کارشناس یا ارزیاب وجود آن محرز و به نظر کارشناس دیگر وجود آن محرز نباشد. نتیجه آن که ممکن است پس از طرح شکایت در دادسرا، اگر مسئله به یک کارشناس ارجاع شود یک نتیجه حاصل شود و اگر به کارشناسی دیگر ارجاع شود نتیجه‌ای دیگر حاصل شود. بنابراین حتی در صورتی که کارشناس منتخب عقیده بر فقدان شرایط ثبت داشته باشد نمی‌توان به طور قطع، عقیده بر این داشت که طرح یا اختراع ثبت شده فاقد شرایط ثبت بوده؛ چرا که اگر کارشناس دیگری انتخاب می‌شد، ممکن بود نتیجه دیگری حاصل شود. بنابراین بهتر است تا زمانی که گواهینامه در نتیجه دادرسی قانونی در دادگاه حقوقی باطل نشده به آن ترتیب اثر داده شود. به علاوه، رویه کنونی دادسرای مالکیت صنعتی که رأی مورد نقد این مقاله مصداقی از آن است می‌تواند اسباب بی‌ثباتی و تشتت در نظام قضایی را فراهم آورد. بدین توضیح که ممکن است کارشناس دادسرا عقیده بر بی‌اعتباری ثبت داشته باشد و به تبع، ضمانت اجرای کیفری مترتب نشود اما اگر اندکی بعد دعوای ابطال این گواهینامه در دادگاه حقوقی مطرح شود کارشناس آن مرجع عقیده بر صحت ثبت داشته باشد و حکم ابطال گواهینامه صادر نشود. به راستی چنین تشتتی که نتیجه اجتناب ناپذیر رویه

شکل گرفته در دادسرای مسئول رسیدگی به جرائم مالکیت صنعتی است زبینه نظام قضایی کشور نیست.

بنابراین تا زمانی که گواهینامه مالکیت صنعتی به اعتبار خود باقی است حقوق ناشی از ثبت و ضمانت اجراهای این حقوق هم باقی بوده و مراجع قضایی اعم از کیفری و حقوقی حق ترتیب اثر ندادن به آن را ندارند. حال این سوال مطرح می‌شود که با توجه به شیوع صدور گواهینامه فاقد شرایط، آیا مرجع کیفری نمی‌تواند با صدور قرار اناطه ادامه تعقیب را منوط به تعیین تکلیف اعتبار گواهینامه از مرجع ثبت نماید و قرار اناطه صادر کند تا دادخواست ابطال گواهینامه تقدیم دادگاه حقوقی شود و حسب رأی آن مرجع قرار منع تعقیب یا قرار جلب به دادرسی صادر کند؟ در قسمت بعد به این مسئله خواهیم پرداخت.

۳. امکان صدور قرار اناطه جهت احراز صحت ثبت

در خصوص امکان صدور قرار اناطه در متن رأی چنین بیان شده است: "با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی قرار اناطه فقط در خصوص اموال غیرمنقول مصداق پیدا می‌کند (در حالی که دارایی‌های فکری اموال ویژه‌ای هستند و تابع نظام خاص خود و نمی‌توان احکام مربوط به اموال سنتی را بر آن‌ها بار کرد)". در واقع، با این استدلال، دادسرا بدون صدور قرار اناطه رأساً وارد بررسی شرایط ماهوی ثبت شده است. در قسمت‌های قبل به تفصیل بیان کردیم که با توجه به جایگاه تشریفات در حمایت از مالکیت صنعتی، دادسرا نباید به ارزیابی شرایط ثبت بپردازد و باید صرف‌نظر از این که ثبت به درستی انجام شده یا نشده به تعقیب ادامه دهد و رأی مقتضی صادر نماید. اما آیا در شرایطی که بسیاری از گواهینامه‌های ثبت مالکیت صنعتی فاقد شرایط هستند، (امری که تا حدود زیادی از اوصاف ذاتی نظام مالکیت صنعتی است) مرجع کیفری نباید با صدور قرار اناطه ادامه تعقیب را منوط به تعیین تکلیف اعتبار گواهینامه در مرجع صالح (دادگاه حقوقی) نماید؟ در پاسخ به این سوال مقدماً باید دید در چه مواردی امکان صدور قرار اناطه وجود دارد و سپس تحلیل کنیم که موضوع بحث ما در قلمرو قرار اناطه قرار می‌گیرد یا خیر.

۱.۳. محل صدور قرار اناطه

نگاهی به سیر تاریخی قرار اناطه و تحولات آن در نظام حقوقی ایران می‌تواند در بحث مورد نظر راهگشا باشد. از لحاظ ترمینولوژیک اناطه عبارت است از توقف رسیدگی به یک دعوی بر رسیدگی و ختم دعوای دیگر بدون آن که مقید به نوع خاصی از دعوای (مدنی، جزایی و اداری) بوده باشد (نوروزی، ۱۳۸۴: ۶۲). به تعبیر دکتر لنگرودی، اناطه یعنی توقف رسیدگی به دعوای اصلی بر رسیدگی به امر دیگر که باید پیش از رسیدگی به دعوای اصلی مختومه گردد (لنگرودی، ۱۳۹۳: ۶۷۰). در مفهوم قرار اناطه باید توجه شود دادگاهی که به جرمی رسیدگی می‌کند اصولاً صلاحیت دارد به کلیه ادعاها و ایرادات طرفین رسیدگی نماید. اما گاهی اوقات قانونگذار به لحاظ رعایت مصالح جامعه و ایجاد نظم در دادرسی و تأمین عدالت بیشتر، رسیدگی به برخی مبانی و مقدمات جرم را از صلاحیت دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم خارج دانسته؛ در این گونه مواقع، دادگاه رسیدگی کننده به جرم، قرار صادر می‌کند که به موجب آن، رسیدگی به امر جزایی تا حصول نتیجه قطعی از مرجع صلاحیتدار درباری مبانی و مقدمات جرم متوقف می‌شود. این اقدام دادگاه را اناطه کیفری می‌گویند (آخوندی، ۱۳۷۵: ۸۶).

در چند مقطع، شاهد تحولاتی در قلمرو صدور قرار اناطه بوده‌ایم. طبق ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ اصلاحی ۱۳۳۵: "هرگاه ثبوت تقصیر متهم منوط است به مسائلی که محاکمه و ثبوت آن از خصائص محاکم حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس، امر جزایی تعقیب نمی‌شود و اگر تعقیب شده معلق می‌ماند تا حکم قطعی از محکمه حقوقی صادر شود. چنانچه یکی از طرفین دعوی یا ذی‌نفع حداکثر تا ۳ ماه از تاریخ ابلاغ قرار به دادگاه رجوع نکرده و تصدیق آن را تقدیم مراجع جزایی ننماید پرونده بایگانی می‌شود." متن ماده ۱۷ نشان می‌دهد برای صدور قرار اناطه باید دو شرط به طور همزمان محقق باشند: ۱- ثبوت تقصیر متهم منوط به اثبات امر دیگری باشد ۲- اثبات آن امر دیگر، از صلاحیت ذاتی مرجع کیفری خارج باشد (مثل اثبات حق مالکیت).

در خصوص بحث اثبات مالکیت اختلاف چشم‌گیری در رویه مراجع قضایی

شکل گرفته بود. بعضی بازپرس‌ها به مجرد ادعای مالکیت متهم نسبت به مال موضوع جرم و با تردید نسبت به تحقق جرم قرار اناطه صادر می‌کردند، اما بعضی دیگر، موضوع رسیدگی به مالکیت مال منقول را از صلاحیت خود خارج نمی‌دانستند و به رسیدگی ادامه می‌دادند؛ زیرا معتقد بودند لفظ اثبات مالکیت ظهور در اثبات مالکیت اموال غیرمنقول دارد. نهایتاً در سال ۱۳۶۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه ۵۲۹ به اختلاف موجود خاتمه داد. طبق این رأی: "متن ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که ثبوت تقصیر متهم را منوط به مسائلی قرار داد که محاکمه و ثبوت آن از خصائص محاکم حقوقی است ناظر بر اختلاف در مالکیت اموال غیرمنقول می‌باشد و در مورد اموال منقول صدق پیدا نمی‌کند ...". با صدور این رأی وحدت رویه، شرایط صدور قرار اناطه این‌گونه شد که اولاً اثبات وقوع جرم باید منوط به اثبات مسئله‌ای دیگر باشد؛ ثانیاً اثبات آن مسئله از صلاحیت محاکم کیفری خارج باشد (مگر در مورد اثبات مالکیت اموال منقول که استثنائاً مرجع کیفری می‌تواند به آن ورود کند)؛ بنابراین اگر شکایت سرقت مطرح شود و مشتکی‌عنه مدعی مالکیت مال موضوع جرم باشد شرط اول محقق است اما طبق رأی وحدت رویه شرط دوم محقق نیست و مرجع کیفری خود صلاحیت ورود به بحث مالکیت مال منقول می‌باشد.

تفکیک اموال منقول و غیرمنقول منطقیاً نشئت گرفته از جایگاه تشریفات در مالکیت اموال غیرمنقول و عدم نیاز به تشریفات خاص در بحث مالکیت اموال منقول و امکان استفاده از امارات در احراز این امر می‌باشد. تفکیک صورت گرفته بین اموال منقول و غیرمنقول تا حدود زیادی معقول بوده است؛ زیرا مرجع کیفری این توانایی را دارد که در مقابل دفاع مالکیت مشتکی‌عنه به بحث مالکیت ورود کند و از اماراتی مثل اماره تصرف بهره برد اما در خصوص مالکیت اموال غیرمنقول با توجه به تشریفاتی بودن اعطای حق مالکیت و ضرورت ثبت اموال غیرمنقول، نیازمند صدور قرار اناطه هستیم (خالقی، ۱۳۹۷: ۵۲). در حقیقت، آن‌جا که مرجع کیفری رأساً توانایی و صلاحیت ورود به بحث اثبات مالکیت را دارد نیازی به صدور قرار اناطه وجود ندارد، اما آن‌جا که مرجع کیفری رأساً توانایی و صلاحیت ورود به آن مسئله را ندارد امکان صدور قرار اناطه قابل تصور نیست. نکته بسیار مهم آن

است که در مورد اموال غیر منقول هم آن جایی که شاکی سند مالکیت داشت و متهم ادعای مالکیت آن مال را مطرح می‌کرد رویه مراجع قضایی بر عدم امکان صدور قرار اناطه بود؛ زیرا طبق ماده ۲۲ قانون ثبت مالکیت شخص دارنده سند محرز و مسلم بود (پورمحمد، ۱۳۹۲: ۷۷۱).

با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۸، شرایط قرار اناطه تا حدودی متفاوت شد. ماده ۱۳ این قانون مقرر می‌داشت: "هرگاه ضمن رسیدگی کیفری مشخص شود اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دیگر است یا ادامه رسیدگی به آن در همان دادگاه مستلزم رعایت تشریفات دیگر آیین دادرسی باشد قرار اناطه صادر و به طرفین ابلاغ می‌شود. ذی‌نفع مکلف است ظرف یک ماه موضوع را در دادگاه صالح پیگیری نماید و گواهی آن را به دادگاه صالح ارائه و یا دادخواست لازم را به همان دادگاه تقدیم نماید در غیر این صورت دادگاه به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی خواهد گرفت." پس برای صدور قرار اناطه لازم است اولاً ضمن رسیدگی مشخص شود که اتخاذ تصمیم منوط است به رسیدگی به امری دیگر؛ ثانیاً رسیدگی به آن امر در صلاحیت دادگاه دیگری باشد. بنابراین طبق ظاهر قانون، لازم نیست حتماً رسیدگی به آن امر جهت اثبات تقصیر متهم یا برای اثبات جرم باشد بلکه از این ماده می‌توان برداشت کرد که متهم هم حق دارد دفاعی مطرح نماید که اثبات آن منوط به رسیدگی در مرجع دیگری است. به واقع، متهم می‌توانست با طرح ادعاهای متعدد و طرح مواردی که رسیدگی به آن از صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده خارج است موجبات اطاله دادرسی فراهم آورد (پورمحمد، ۱۳۹۲: ۷۷۱). با این حال، در این قانون هیچ اشاره‌ای به عدم لزوم صدور قرار اناطه نسبت به مالکیت اموال منقول نشد؛ اما به استناد رأی وحدت رویه ۵۲۹، همچنان صدور قرار اناطه نسبت به مالکیت اموال منقول منتفی بود.

به هر روی، با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ تا حدود زیادی ابهام‌ها و مسائل اختلاف برانگیز رفع شد. ماده ۲۱ این قانون مقرر می‌دارد: "هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت مرجع کیفری نیست و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با

تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح تعقیب متهم معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. در این صورت، هرگاه ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. " تبصره ۲ این ماده مقرر داشته: "اموال منقول از شمول این ماده مستثنی هستند." قاعداً و با عنایت به پیشینه بحث که پیشتر شرح آن رفت، منظور صرفاً بحث مالکیت اموال منقول است.

بنابراین با عنایت به سیر تاریخی تکامل قرار اناطه در نظام حقوقی ایران می‌توان گفت این قرار آن‌جا صادر می‌شود که اولاً شاکي با توجه به دفاعیات مشتکی‌عنه دلایل کافی برای اثبات جرم ادعا شده نداشته و برای اثبات جرم، نیاز به اثبات امر دیگری که در صلاحیت دادگاه حقوقی است وجود داشته باشد؛ ثانیاً احراز آن امر باید لزوماً در قالب یک دعوای مستقل در دادگاه حقوقی انجام شود؛ ثالثاً آن امر اثبات مالکیت اموال منقول نباشد. به طور مثال، اگر شکایت زنا طرح شده باشد و متهم با وجود وقوع نزدیکی با شاکي مدعی وجود رابطه زوجیت با او بوده و این مسئله مورد انکار طرف مقابل قرار گیرد از آن‌جا که اصل بر عدم زوجیت بوده و وقوع نکاح امری حادث است باید قرار اناطه صادر شود و متهم اقدام به طرح دعوی اثبات رابطه زوجیت در دادگاه خانواده نماید (خالقی، ۱۳۹۷: ۵۴).

۲.۳. تحلیل امکان صدور قرار اناطه در دعاوی نقض حقوق مالکیت

صنعتی

همان‌طور که پیشتر اشاره شد قاضی پرونده با این استدلال که قرار اناطه صرفاً در مورد اموال منقول ممکن است از صدور این قرار اجتناب نموده است. اما این استدلال کاملاً مخدوش است؛ زیرا طبق تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری قرار اناطه در مورد اموال منقول صادر نمی‌شود و منظور از اموال منقول در این تبصره، با توجه به متن رأی وحدت رویه شماره ۵۲۹ و وقایع پرونده‌ای که به صدور آن رأی ختم شد، اختلاف در مالکیت مال منقول است نه هر بحثی پیرامون اموال منقول (خالقی، ۱۳۹۷: ۵۲). به علاوه، برخلاف استدلال ارائه شده در رأی،

در متن تبصره امکان صدور قرار اناطه در خصوص مالکیت اموال منقول سلب شده نه این که امکان صدور قرار اناطه صرفاً برای اموال غیر منقول تجویز شده باشد. نکته قابل توجه آن است که به نظر مقام قضایی صادر کننده قرار که در متن رأی بدان تصریح شده اموال فکری نه منقول هستند و نه غیرمنقول؛ بنابراین وقتی که در قلمرو اموال منقول قرار نمی گیرند قاعدتاً از قلمرو تبصره (که به صورت سلبی صدور قرار اناطه را برای اموال منقول سلب کرده) خارج بوده و از این جهت محدودیتی برای صدور قرار اناطه وجود ندارد.

با توجه به مجرای قرار اناطه، قرار اناطه زمانی باید صادر شود که اثبات مجرمیت متهم با توجه به دفاعیات وی منوط به طرح یک دعوای دیگر است تا مقدمتاً امری دیگر اثبات شود. گاهی اوقات متهم دفاعیاتی مطرح می کند که اساس ادعای ارتکاب جرم را زیر سوال می برد؛ همانند مثال شکایت زنا و دفاع رابطه زوجیت که پیشتر بدان اشاره کردیم. در چنین مواردی قطعاً اثبات وقوع جرم منوط به اثبات یا عدم اثبات یک امر حقوقی بوده که از صلاحیت مرجع کیفری خارج است.

در فرض بحث ما گواهینامه ثبت مالکیت صنعتی سندی دال بر مالکیت دارنده و حقوق انحصاری این شخص می باشد و ظاهراً دلایل کافی برای اثبات مجرمیت وجود دارد. همان طور که پیشتر اشاره شد، در دهه های قبل، حتی در مواقعی که مال غیرمنقول مورد نزاع سند مالکیت داشت، بسیاری از دادگاه ها و دادرها اقدام به صدور قرار اناطه نمی کردند؛ چرا که سند مالکیت مال غیرمنقول را دلیل کافی برای اثبات مالکیت شاکی می دانستند. با این حال، با توجه به فضای بی ثبات حقوق مالکیت صنعتی و شیوع صدور نادرست گواهینامه مالکیت صنعتی و عدم قطعیت ذاتی این گواهینامه ها که پیشتر شرح آن رفت، عقیده بر امکان صدور قرار اناطه عقیده ای گزاف نخواهد بود، ولو این که تا حدودی موجبات اطلاع دادرسی فراهم آید. در حقیقت، اعتبار گواهینامه های مالکیت صنعتی به هیچ وجه قابل مقایسه با اسناد مالکیت اموال غیرمنقول نداشته و نمی توان به نفس وجود گواهینامه اکتفا نمود و اشخاص را بدون توجه تمامی دفاعیاتشان محکوم کرد. تفسیر موسع مقررات آیین دادرسی کیفری و تفسیر این مقررات به نفع متهم نیز همسو با این تحلیل می باشد. البته ممکن است گفته شود صدور قرار اناطه باعث می شود زمان

زیادی صرف طرح دعوای حقوقی تا صدور حکم قطعی خواهد بود و این مسئله می‌تواند ضمانت اجرای مالکیت صنعتی را کمرنگ نماید. در پاسخ به این ایراد باید توجه شود که امکان صدور دستور موقت توسط مرجع کیفری که در آیین‌نامه قانون تجویز شده می‌تواند تا حدود زیادی از ضرر پیشگیری کند. در واقع، شاکی می‌تواند با پرداخت خسارت احتمالی و اخذ دستور موقت مانع ادامه بهره‌برداری متهم از آن پدیده صنعتی در محدوده زمانی بین صدور قرار اناطه و صدور حکم قطعی توسط مرجع کیفری شود و نهایتاً اگر به موجب حکم قطعی دادگاه حقوقی گواهینامه باطل شود، متهم می‌تواند از محل خسارت احتمالی خسارت خود را جبران نماید.

نتیجه

با توجه به جایگاه تشریفات در حمایت از مالکیت صنعتی و عدم قطعیت ذاتی اعتبار گواهینامه‌ها، حقوق انحصاری اشخاص با ثبت و صدور گواهینامه پدید می‌آید و تا زمانی که گواهینامه به اعتبار خود باقی است، این حقوق و ضمانت اجراهای مدنی و کیفری نیز برقرار خواهند بود. در حقیقت، موضوع جرم نقض حقوق مالکیت صنعتی، پدیده صنعتی ثبت شده و حقوق انحصاری ناشی از آن است؛ نه پدیده صنعتی که دارای شرایط ماهوی ثبت (مثلاً تازگی و اصالت برای طرح صنعتی) است. بنابراین رأی صادره همسو با مبانی و مقتضیات حقوق مالکیت صنعتی نیست.

با این حال، با عنایت به عدم قطعیت ذاتی اعتبار گواهینامه‌های مالکیت صنعتی و شیوع صدور گواهینامه فاقد شرایط، به نظر می‌رسد صدور قرار اناطه و انتظار برای تعیین نتیجه دعوای ابطال گواهینامه مالکیت صنعتی همسو با اصول تفسیر موسع مقررات آیین دادرسی کیفری و تفسیر این مقررات به نفع متهم است. بنابراین در صورتی که متهم در مقام دفاع، ادعای بی‌اعتباری گواهینامه را مطرح نماید شایسته است مرجع کیفری برابر مقرر ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری با صدور قرار اناطه پرونده را به طور موقت بایگانی نماید و به انتظار صدور حکم قطعی دعوای ابطال گواهینامه نشیند.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۷۵)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ماجد.
- پورمحمد، اباست (۱۳۹۲)، **قرار اناطه در قانون جدید آیین دادرسی کیفری و مقایسه آن با قانون قدیم**، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری در بوته نقد، مراغه.
- جعفرزاده، میرقاسم و محمودی، اصغر (۱۳۸۹)، **شرایط ماهوی حمایت از اختراع، تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ بیست و پنجم، تهران: گنج دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۷)، **نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.
- سیدین، علی، کارچانی، مهدی (۱۳۹۹)، **کاربر آگاه در تشخیص اصیل بودن طرح صنعتی، فصلنامه رأی، مطالعات آراء قضایی**، شماره ۳۰.
- طباطبایی حصار، نسرین (۱۳۹۸)، **تقریرات درس حقوق ثبت مالکیت فکری**، نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۸ - ۹۹، تهران: دانشگاه تهران.
- ناظری، امیر (۱۳۹۹)، **تعادل منافع عمومی و خصوصی در ابطال ورقه اختراع**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، تهران: دانشگاه تهران.
- نوروزی، محمد (۱۳۸۴)، **قرار اناطه در دعاوی حقوقی، مجله کانون وکلای دادگستری**، شماره ۲، ۱۳۸۴.
- Corea, Carlos M.(2015), **Patent Examination and Legal Fictions: How Rights Are Created on Feet of Clay**, Edward Elgar: 2015.
- Douglas Thomas(1996), **Secret Prior Art – Get your Priorities Straight**, Harward Journal of Law and Technology, Volume 9.

- Lemely Mark(2001), **Rational Ignorance at Patent Office**, Northwestern University Law review, Volume 25.
- Pittman, Dylan(2015), **Allowing patent Validity challenge Despite No- Challenge clauses: Full fling The Will of king Lear**, Indiana Law Review, Volume 48.